**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

*خارج فقه جلسه7..31/6/1400*

( احکام تخلی - اگر کسی در مکانی بداند که بماند به عورت دیگری نگاه می کند حرام است بماند - تفسیر این مساله از نظر آقای خویی - اشکال استاد یه ایشان - اشکال دیگر آقای خویی - جواب استاد به ایشان )

مساله نهم : در مکانی که می داند نگاهش به عورت دیگری می افتد جایز نیست توقف کند بلکه واجب است از آن مکان برود و نگاه نکند حال اگر شک دارد یا ظن دارد و علم ندارد که اگر توقف کند نگاهش می افتد توقف ایشان در آن مکان اشکالی ندارد لکن احتیاط مستحب در توقف نکردن است یا اگر توقف کرد نگاه نکند

مرحوم اقای خویی در التنقیح ج ۳ ص ۳۶۵ می فرماید که مراد مرحوم سید در عروه از عدم جواز توقف حرمت توقف است و این حرمت عقلی است نه شرعی ، حرمت عقلی توقف بر امتثال دارد یعنی اگر بخواهد نهی مولا را امتثال بکند و به عورت دیگران نگاه نکند عقل می گوید توقف در این مکان حرام است پس این حرمت توقف از مستقلات عقلیه است اما حرمت شرعیه توقف این است که ایستادن در این مکان مقدمه حرام می شود و مقدمه حرام حرام است از این جهت توقف حرام می شود چون علت تامه حرام شد یا حداقل جزء اخیر علت تامه حرام شد و ما در اصول تحقیق کردیم که مقدمه حرام حرام نیست بلکه مقدمه واجب اجب است

اشکال استاد بر ایشان : اگر در آن مکان توقف کند و بدون اختیار نگاه به عورت دیگری کند چنین کسی معذور است هم عقلا و هم شرعا مثل کسی که وارد شد به مکانی و به دهان او مشروب ریختند و اگر توقف در مکانی بشود و به اختیار خودش و از روی علم و قصد نگاه کند ادله حرمت نظر به عورت غیر بر او تکلیف می کند که حق نداری نگاه کنی لذا بنابر اول حرمت عقلی معنا ندارد بلکه معذور است و بنابر دوم هم داخل در ادله ناهیه است

‌به نظر ما منظور مرحوم سید در متن عروه این است که اگر کسی توقف کند در چنین مکانی و بدون اختیار نگاه به عورت دیگری کند معذور نیست ، مرحوم امام هم این نظر را دارند ، نه اینکه خود این وقوف حرام است متعلق حرمت وقوف نیست بلکه نگاه است لذا آنجایی هم که بحث از شک و ظن می کند برای این است که اگر شک دارد یا گمان کند که در این مکان توقف کند نگاهش می افتد ایشان معذور است و اصل برائت از حرمت جاری می شود چنانکه مرحوم محقق همدانی فرمود در جایی که شک دارد بیننده ای هست یا نه بماند او جایز است کشف عورت کند بخاطر اصالت برائت از حرمت جاری است

اشکال مرحوم آقای خویی بر این نظر : آیه یحفظوا فروجهم ما را امر به محافظت می کند هم مردان و هم زنان لذا هر کجا احتمال می دهند که این عمل موجب شد که محافظت انجام نشود باید آن عمل احتمالی ترک شود چون محافظت واجب است مثل اینکه امانتی در دست اوست احتمال می دهد این امانت در فلان مکان موجب تلف شدن آن می شود بر او واجب است امانت را حفظ کند و در آن مکان نگذارد پس محافظت از فروج این است که جلوی تمامی احتمالات را بگیرد وحتی اگر احتمال دهد ناظری او را ببیند باید احتیاط کند

اشکال استاد بر ایشان : شک یا ظن در مصداق نیست و شبهه مصداقیه نیست تا اینکه احتیاط واجب بر محافظت باشد بلکه شک یا ظن در معذوریت یا عدم معذوریت است پس این مساله از مسائلی نیست که گفته شود این محافظت هست یا نه بلکه از مسائل معذوریت است یعنی اگر احتمال بدهد که توقف در این مکان نگاهش بیفتد اگر بایستد شرعا معذور است یا نیست ؟ ( که معذور است ) و شک من در مصداق محافظت نمی باشد بلکه در مصداق معذوریت است

بیان دیگر : ما قبول داریم که بر ما واجب است که خودمان را حفظ کنیم که دیگران عورت ما را نبینند و این تکلیف را قبول داریم اما شرایط تکلیف در اینجا نیست چون شرایط علم و قصد و اختیار است و انسان شاک عالم و قاصد و مختار نیست و دلیل حرمت جاری نیست بلکه اصل برائت از حرمت جاری است

اما اینکه فرمودید در ید امانی ابواب احتمال باید بسته شود در اینجا هم باید ابواب احتمال بسته شود درست نیست چون در باب امانت اگر ابواب احتمال را نبندد امانی تبدیل به ید عدوانی می شود و لذا ضامن می شود و موضوع عوض می‌شود اما در اینجا آنچه بر ما واجب است حفظ عورت است و برای حفظ آن لازم است که بدانم کسی من را نگاه می‌کند اما اگر احتمال بیننده ای را بدهم اصل برائت از تکلیف جاری است نه احتیاط